

نقش واسطه‌ای ارزیابی‌های شناختی در رابطه سبک‌های مقابله‌ای با سازگاری زناشویی زنان متقاضی طلاق

خدیجه ابراهیمی^۱، فائزه رضایی^۲، محمد حسین بیاضی^۳

^۱ ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت جام، ایران.

^۲ ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت جام، ایران.

^۳ دکتری تخصصی روانشناسی سلامت، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت جام، ایران.

نام نویسنده مسئول:

خدیجه ابراهیمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی ارزیابی‌های شناختی در رابطه سبک‌های مقابله‌ای با سازگاری زناشویی زنان متقاضی طلاق بود. طرح پژوهش حاضر توصیفی همبستگی و جامعه آماری پژوهش، کلیه زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده و کلینیک‌های مشاوره بهزیستی شهر مشهد در نیمه اول سال ۱۳۹۹ بودند. نمونه این پژوهش شامل ۱۰۰ نفر از زنان متقاضی طلاق که به روش نمونه‌گیری در دسترس با توجه به فرمول کوکران انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن (CSQ)، پرسشنامه استاندارد ارزیابی شناختی پی کاک و لانگ و پرسشنامه سازگاری زناشویی گراهام بی اسپنیر بود و داده‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر، تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین سبک مقابله مسئله محور با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و بین سبک مقابله عاطفه محور با صمیمیت و سازگاری زناشویی در آستانه طلاق رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد ارزیابی شناختی در رابطه بین سبک‌های مقابله‌ای با سازگاری زناشویی نقش میانجی دارد.

واژگان کلیدی: ارزیابی‌های شناختی، سبک‌های مقابله‌ای، سازگاری زناشویی، طلاق.

مقدمه

امروزه سازگاری زناشویی یکی از اصطلاحاتی است که به طور وسیع در مطالعات خانواده و روابط زناشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اصطلاح با بسیاری از اصطلاحات دیگر همچون رضایت زناشویی، شادکامی زناشویی و ثبات زناشویی مرتبط است. در حالی که اصطلاحات قبلی هر کدام تنها یک بعد از ازدواج را نشان می‌دهند، سازگاری زناشویی یک اصطلاح چندبعدی است که سطوح چندگانه ازدواج را روشن می‌کند. در طول سال‌ها از مفهوم سازگاری زناشویی بدون یک تعریف مشترک و روشن بین محققان استفاده شده است (نجار پوریان، فاتحی زاده، عابدی، ۱۳۸۰). موضوع سازگاری زناشویی بعد از مطالعه هامیلتون^۱ در سال ۱۹۲۹ مورد توجه قرار گرفت و بعد از آن پژوهش‌های زیادی به منظور کشف عوامل مؤثر در سازگاری زناشویی انجام شد. بنابراین سازگاری زناشویی از دیرباز مورد توجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است و می‌توان گفت سازگاری زناشویی یکی از گسترده‌ترین مفاهیم برای تعیین میزان شادی و پایداری رابطه است (ضیاءالحق و همکاران، ۱۳۹۱). تلاش برای خوشبختی و لذت در انسان‌ها منجر به ازدواج می‌شود. ازدواج یک رابطه فردی طولانی مدت بین زن و مرد هست که توسط قانون دین و عرف مقرر شده است. زوج‌ها برای برقراری ارتباط و حفظ رابطه صمیمانه مشکلات شدید و فراگیری را تجربه می‌کنند و در واقع مشکل ناسازگاری زناشویی بیش از هر مقوله دیگر سبب ارجاع و دریافت خدمات روان‌درمانی و مشاوره است. بر این اساس مطالعه ازدواج و سازگاری زناشویی از موضوعاتی است که در زمینه بهداشت روان اهمیت فراوانی دارد. سازگاری زناشویی عبارت است از هماهنگی و همدلی در وصول اهداف مشترک زندگی بین زن و شوهر که به احساس رضایت از زندگی با یکدیگر منجر می‌شود (زارعی، فرح‌بخش، اسماعیلی، ۱۳۹۰). رانی (۲۰۱۳) سازگاری زناشویی را وضعیتی می‌داند که در آن یک احساس کلی، از شادی، رضایت از ازدواج و باهم بودن در زن و مرد وجود دارد، که موجب رشد و پیشرفت زوجین در ابعاد مختلف شده و درک متقابل زوجین از همدیگر را تقویت می‌نماید. پس هنگامی که زن و شوهر با هم برای رسیدن به هماهنگی و تعادل در حوزه‌های مختلف زندگی زناشویی تلاش می‌کنند سازگاری حاصل می‌شود (این یوا^۲، ۲۰۱۱). سازگاری زناشویی عبارت است از هماهنگی و همدلی در حصول اهداف مشترک زندگی بین زن و شوهر که منجر به احساس رضایت از زندگی با یکدیگر می‌شود. سازگاری بین زن و شوهر به آن‌ها اجازه می‌دهد تا از تعارضات اجتناب کنند، یا به شیوه‌ای مناسب آن‌ها را حل کنند به طوری که هر دو احساس رضایتی از ازدواج و رابطه با یکدیگر داشته باشند (چن^۳ و همکارها، ۲۰۰۷). سازگاری زناشویی احساس رضایت هر یک از زوجین از هماهنگی و تطبیق باهمسر خود در زمینه چگونگی سازمان‌دهی مشترک که شامل هماهنگی در نحوه گذراندن اوقات فراغت، تقسیم‌کارهای منزل، تعامل و ارتباط با یکدیگر، روابط جنسی و ابراز عاطفه و محبت به یکدیگر می‌گردد (اورکی، جمالی، فرج‌الهی، کریمی، ۱۳۹۱).

سازگاری زناشویی از نکات مهم و قابل توجه در وقوع پدیده طلاق است و به نظر می‌رسد طلاق نتیجه کاهش سازگاری زناشویی باشد. یکی از زمینه‌های سازگاری در زندگی انسان، سازگاری زناشویی است تا آنجا که ازدواج موفق و رضایتمندان مستلزم سطح پایداری از سازگاری زوجین است. در تداوم زندگی زناشویی عوامل متعددی دخیل هستند و شرط اساسی در این امر مهم، سازگاری در برابر آثار محرک‌های تنش‌زا است. سازگاری با موقعیت‌های متنوع در دورانی که عصر تنش و تغییرات سریع اجتماعی است کار آسانی نیست. سازگاری زناشویی^۴ وضعیتی است که در آن زوجین در بیشتر مواقع احساس خوشبختی و رضایت از همدیگر می‌کنند. روابط رضایت‌بخش بین زوجین از طریق علاقه متقابل، مراقبت از یکدیگر، پذیرش درک یکدیگر و ارضای نیازها ایجاد می‌شود (کجباف، مقدس و آقایی، ۱۳۹۰). در واقع سازگاری زناشویی یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط ارائه می‌دهد. گریف^۵ (۲۰۰۰) معتقد است که زوجین سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند و از نوع و سطح روابط خود راضی هستند. اسپانیر^۶ (۱۹۷۶) معتقد است که سازگاری زناشویی دارای چهار مؤلفه رضایت دونفری^۷، همبستگی

1. Hamelton

2. Ebenawa

3. Chen

4. Marital Adjustment

5. Grief

6. Spanir

7. Dyadic Satisfaction

دونفری^۸، توافق دونفری^۹ و ابراز محبت^{۱۰} هست. رضایت دونفری میزان شادمانی در روابط و همچنین فروانی تعارضات تجربه شده در روابط را نشان می‌دهد. همبستگی دونفری به این موضوع اشاره دارد که چند وقت یکبار، یک زوج همراه هم درگیر فعالیت‌های مشترک می‌شوند. توافق دونفری میزان موافقتی است که زوجها در مورد موضوعات مهم نظیر اداره کردن امور مالی خانواده و اتخاذ تصمیمات دارند و ابراز محبت نیز مربوط به این است که چند وقت یکبار، زوجین به یکدیگر ابراز عشق و علاقه می‌کنند (یار محمدیان، بنکدار هاشمی و عسکری، ۱۳۹۰). با توجه به نقش سازگاری زناشویی در رضایت زناشویی زنان متقاضی طلاق، در این پژوهش، به بررسی نقش میانجی ارزیابی‌های شناختی در رابطه سبک‌های مقابله‌ای با سازگاری زناشویی زنان متقاضی طلاق می‌پردازیم.

روش پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش به منظور بررسی رابطه بین متغیرها، از روش تحقیق همبستگی استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش:

جامعه آماری پژوهش، کلیه زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده شهر مشهد و کلینیک‌های مشاوره بهزیستی در نیمه اول سال ۱۳۹۹ بودند و تعداد (۱۳۶ نفر) نفر انتخاب شدند که از این تعداد با توجه به عدم همکاری و ریزش تعدادی از افراد در طی انجام تحقیق، بالاخره تعداد ۱۰۰ نفر برای انجام پژوهش همکاری داشتند.

نمونه پژوهش و روش نمونه‌گیری:

نمونه این پژوهش بر اساس فرمول کوکران شامل ۱۰۰ نفر از زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده و کلینیک‌های مشاوره بهزیستی شهر مشهد که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، می‌باشد.

ابزار پژوهش:

پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن (CSQ):

پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن (۱۹۸۵) دارای ۶۶ سؤال است که در مقیاس چهارگزینه‌ای از ۱ تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود نمره‌گذاری این پرسشنامه به دو روش خام و نسبی صورت می‌گیرد. نمرات خام توصیف‌کننده تلاش مقابله‌ای برای هر یک از هشت نوع مقابله است و مجموع پاسخ‌های آزمودنی به مواد تشکیل‌دهنده مقیاس می‌باشد. نمرات نسبی، نسبت تلاشی که در هر نوع مقابله صورت گرفته را توصیف می‌کند. در هر دو روش نمره‌گذاری، افراد به هر ماده روی یک مقیاس چهارگزینه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند که بسامد هر راهبرد را به این شکل نشان می‌دهد: صفر نشانگر "بکار نبردم"، یک نشانگر "خیلی کم بکار بردم"، دو نشانگر "تا حدی بکار بردم" و سه نشانگر "به مقدار زیاد بکار بردم" است. انتخاب این که کدام روش نمره‌گذاری را باید اجرا کرد، بستگی به اطلاعاتی دارد که پژوهشگر به دنبال آن است که در پژوهش حاضر از روش نمره‌گذاری نسبی استفاده شد. در این پرسش‌نامه دو سبک مقابله مسئله محور و عاطفه محور سنجیده می‌شود. این آزمون شامل ۶۶ ماده بوده و ۸ مقیاس مقابله‌ای را می‌سنجد. نمره فرد در هر مقیاس از مجموع امتیازات وی از سؤالات مختص به آن مقیاس به دست می‌آید. قسمت مسئله محور دارای ۴ ویژگی جستجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، حل مدبرانه مسئله و ارزیابی مجدد مثبت است. و قسمت عاطفه محور نیز شامل ۴ ویژگی رویارویی، دوری‌گزینی، خویش‌داری و گریز اجتناب است. لازاروس ثبات درونی ۰/۶۶ تا ۰/۷۹ را برای هریک از سبک‌های مقابله‌ای گزارش کرده است. در پژوهش بشارت آلفای کرونباخ کلی آزمون ۰/۸۷ به‌دست‌آمده است (به نقل از شریعتی و دهقانی، ۱۳۹۶).

8. Dyadic Cohesion

9. Dyadic Conciliation

10. Affectional Expression

پرسشنامه استاندارد ارزیابی شناختی پی کاک و لانگ (۱۹۹۰):

پرسشنامه استاندارد ارزیابی شناختی پی کاک و لانگ (۱۹۹۰) بر اساس الگوی تبدیلی استرس و برای اندازه‌گیری فرایندهای شناختی در رویارویی با تجارب استرس‌زا طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۱۴ سؤال و سه مؤلفه هست و بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت به ارزیابی شناختی می‌پردازد. نتایج تحلیل عاملی ابزار ارزیابی تنیدگی سه عامل چالش، تهدید و منابع را نشان داد. تحلیل (تفسیر) بر اساس میزان در مطالعه رویلی، روش، جاریکا و وافن (۲۰۰۵)، ضرایب همسانی درونی برای مقیاس‌های چالش، تهدید و منابع به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۸۱ و ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسشنامه سازگاری زناشویی گراهام بی اسپنیر (DAS):

توسط اسپنیر (1976) به منظور سنجش سازگاری بین زن و شوهرها و یا هر دونفری که باهم زندگی می‌کنند تنظیم شده است این مقیاس یک ابزار ۳۲ سؤالی است که می‌توان با به دست آوردن کل نمرات، از این ابزار برای اندازه‌گیری رضایت کلی در یک رابطه صمیمانه استفاده کرد. تحلیل عاملی نشان می‌دهد که این مقیاس چهار بعد رابطه را می‌سنجد. این چهار بعد از این قرار است: رضایت دونفری، همبستگی دونفری، توافق دونفری و ابراز محبت (ثنایی، ۱۳۷۹).

نمره‌گذاری پرسشنامه سازگاری زن و شوهر: نمره کل مجموع تمام سؤالات بین ۰ تا ۱۵۱ است. نمرات بالا نشان‌دهنده رابطه بهتر است. سؤالات خرده مقیاس‌ها از این قرار است: رضایت زناشویی: ۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۳۱-۳۲، همبستگی دونفری: ۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸، توافق دونفری: ۱-۲-۳-۴-۵-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵، و ابراز محبت: ۴-۶-۲۹-۳۰.

اعتبار این مقیاس را در کل نمرات ۰/۹۶ برآورد کرده که نشان‌دهنده همسانی درونی قابل توجهی است. همسانی درونی، خرده مقیاس‌ها را نیز بین خوب تا عالی برآورد کرده که عبارت‌اند از: مقیاس برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از ("مقیاس سازگاری زن و شوهر م س ز ش") استفاده می‌شود.

حاج ابول زاده (۱۳۸۱) در پژوهش خود به منظور تعیین ضریب پایایی پرسشنامه، روش باز آزمایی را بافاصله زمانی یک هفته، روی نمونه‌ای متشکل از ۱۵ زوج اجرا کرد. ضریب همبستگی بین نمرات مردان و زنان طی دو بار اجرا، در نمره کل ۰/۸۱، مقیاس رضایت زناشویی ۰/۶۸ همبستگی زناشویی ۰/۸۱، توافق زناشویی ۰/۷۸ و ابراز محبت ۰/۷۷ به دست آمد.

شیوه اجرا

پس از پروسه اخذ مجوزهای لازم برای ورود و اجرای پژوهش در مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده و کلینیک‌های مشاوره بهزیستی شهر مشهد، ابتدا فهرستی از زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز تهیه شد و به روش نمونه‌گیری در دسترس ۱۳۶ نفر از زنان متقاضی طلاق انتخاب شدند. که از این تعداد ۳۶ نفر ریزش و عدم همکاری داشتند و در نهایت تعداد ۱۰۰ نفر با توجه به فرمول کوکران انتخاب و سپس در روزهای مشخص به مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده و کلینیک‌ها مراجعه شد و قبل از اجرای پرسشنامه‌ها توضیحاتی در مورد محرمانه بودن نتایج داده شد و پس از اجرا پرسشنامه‌ها جمع‌آوری و نمره‌گذاری شد و به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss23 و Amos18 از شاخص‌های آماری میانگین و انحراف معیار و از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر برای تجزیه و تحلیل استفاده شد.

ملاحظات اخلاقی:

پیش از شروع کار از شرکت‌کنندگان رضایت کتبی دریافت شد.
پیش از شروع کار شرکت‌کننده از موضوع و روش اجرا مطالعه مطلع شد.
از اطلاعات خصوصی و شخصی داوطلبین محافظت شد.

نتایج در صورت تمایل برای آن‌ها تفسیر شد. در صورت مشاهده هرگونه اختلال، راهنمایی‌های لازم جهت پیگیری به داوطلبین ارائه شد. مشارکت در تحقیق موجب هیچ‌گونه بار مالی برای شرکت‌کنندگان نشد. این پژوهش با موازین دینی و فرهنگی آزمودنی و جامعه هیچ‌گونه مغایرتی ندارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها:

فرضیه: بین سبک‌های مقابله‌ای و سازگاری زناشویی زنان متقاضی طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

ضریب همبستگی سبک‌های مقابله‌ای و سازگاری زناشویی

سازگاری زناشویی			متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	
0/001	0/78**	۱۰۰	سبک مقابله مسئله محور
0/001	-0/68**	۱۰۰	سبک مقابله عاطفه محور

*= $p < 0/05$

**= $p < 0/01$

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود بین به سبک‌های مقابله‌ای و سازگاری زناشویی زنان متقاضی طلاق رابطه معناداری وجود دارد. و ضریب همبستگی محاسبه‌شده بین سبک مقابله مسئله محور و سازگاری زناشویی ($r=0/78, p < 0/01$) و بین سبک مقابله عاطفه محور و سازگاری زناشویی ($r=-0/68, p < 0/01$) است و چون سطح معنی‌داری محاسبه‌شده کمتر از $0/05$ است از این‌رو؛ فرض صفر رد و فرض خلاف تأیید می‌گردد و با اطمینان ۹۵ درصد نتیجه می‌گیریم بین سبک مقابله مسئله محور و سازگاری زناشویی رابطه مثبت و بین سبک مقابله عاطفه محور و سازگاری زناشویی در آستانه طلاق رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد.

اثر مستقیم سبک‌های مقابله‌ای بر سازگاری زناشویی و اثر غیرمستقیم سبک‌های مقابله‌ای بر سازگاری زناشویی

با میانجیگری ارزیابی شناختی

مسیر	ضریب مسیر	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
مسئله محور) ارزیابی شناختی	0.45	0.07	4.55	0.001	تأیید
عاطفه محور ← ارزیابی شناختی	-0.32	0.07	-3.22	0.001	تأیید
ارزیابی شناختی) سازگاری	0.64	0.16	8.22	0.001	تأیید
مسئله محور) ارزیابی شناختی ← سازگاری زناشویی (اثر غیرمستقیم)	0.30			0.007	تأیید
آزمون سوبل			4/01	0.001	تأیید
عاطفه محور) ارزیابی شناختی ← سازگاری زناشویی (اثر غیرمستقیم)	-0/21			0/01	تأیید
آزمون سوبل	۰/۰۶		3/41	0/003	تأیید

با توجه به نتایج جدول فوق، نتایج جدول نشان می‌دهد سبک مقابله محور بر روی ارزیابی شناختی و، ارزیابی شناختی بر روی سازگاری اثر مثبت داشته است این حال، سبک‌های مقابله‌ای مسئله محور به واسطه ارزیابی شناختی بر سازگاری زناشویی تأثیر غیرمستقیم مثبت دارد. چون مقدار بحرانی آزمون سوبل ۴/۰۱ از ۱/۹۶ بیشتر است می‌توان نتیجه گرفت، ارزیابی شناختی در رابطه بین سبک‌های مقابله‌ای مسئله محور و سازگاری زناشویی نقش میانجی دارد. به طوری که با افزایش سبک‌های مقابله‌ای مسئله محور، میزان ارزیابی شناختی مثبت شده، در نتیجه سازگاری زناشویی افزایش می‌یابد.

اما سبک مقابله عاطفه محور بر روی ارزیابی شناختی و، ارزیابی شناختی بروی صمیمیت اثر منفی داشته است این حال، سبک‌های مقابله‌ای عاطفه محور به واسطه ارزیابی شناختی بر سازگاری زناشویی تأثیر غیرمستقیم منفی دارد. چون مقدار بحرانی آزمون سوبل ۳/۴۱ از ۱/۹۶ بیشتر است می‌توان نتیجه گرفت، ارزیابی شناختی در رابطه بین سبک‌های مقابله‌ای عاطفه محور و سازگاری زناشویی نقش میانجی دارد. به طوری که با کاهش سبک‌های مقابله‌ای عاطفه محور، میزان ارزیابی شناختی مثبت شده، در نتیجه سازگاری زناشویی افزایش می‌یابد.

نتیجه گیری

بین سبک‌های مقابله‌ای با سازگاری زناشویی زنان متقاضی طلاق رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج، مشاهده می‌شود بین به سبک‌های مقابله‌ای و سازگاری زناشویی زنان متقاضی طلاق رابطه معناداری وجود دارد. و ضریب همبستگی محاسبه شده بین سبک مقابله مسئله محور و سازگاری زناشویی ($r=0.78, p<0.01$) و بین سبک مقابله عاطفه محور و سازگاری زناشویی ($r=-0.68, p<0.01$) است و چون سطح معنی داری محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ است از این رو؛ فرض صفر رد و فرض خلاف تأیید می‌گردد و با اطمینان ۹۵ درصد نتیجه می‌گیریم بین سبک مقابله مسئله محور و سازگاری زناشویی رابطه مثبت و بین سبک مقابله عاطفه محور و سازگاری زناشویی در آستانه طلاق رابطه منفی معنی دار وجود دارد.

در این رابطه، نتایج یافته‌های محققان از جمله لو و کلونن ۱۱ (۲۰۰۵) عباسی و رسول زاده (۱۳۸۸) دونلان، کانگر و پیرانت ۱۲ (۲۰۰۰) نشانگر این است که ویژگی‌های شخصیتی من جمله نحوه برخورد با چالش‌ها، پیش‌بینی کننده‌های تجربی سازگاری زناشویی است. که البته میر فلاحی و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی، ارتباط منفی معنی داری بین ویژگی‌های شخصیتی روان رنجوری و رضایت زناشویی گزارش کرده‌اند. همچنین در این مطالعه بین ویژگی‌های شخصیتی برونگرایی با سازگاری زناشویی ارتباط مثبت و معنی داری وجود داشت. این یافته‌ها در پژوهش رزاقی و همکاران (۱۳۹۰) نیز به دست آمده بود.

بررسی مختصر نظریه‌ها و مدل‌های مطرح شده در حوزه زناشویی روشن کننده این مهم‌اند که عوامل مختلفی بر پایداری و ناپایداری ازدواج اثر می‌گذارند. یکی از عوامل بسیار مهم ویژگی‌های شخصیت همسران است. آن‌طور که جابری و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های ارتباطی با صمیمیت زناشویی رابطه معنادار دارد. وجود برخی از ویژگی‌های شخصیتی در زن و مرد می‌تواند به روابط نزدیک‌تر و صمیمانه‌تری بینجامد (مرررا و تارلیک ۱۳، ۲۰۱۲). در این میان سبک‌های مقابله‌ای یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که به عنوان برقرارکننده سطح بهنجار نقش مناسب خود را ایفا کرده و به عنوان راهی برای ارتقاء سلامت تلقی می‌شود (هیدی، و ینهون ورپرینگ ۱۴، ۲۰۰۷).

در تبیین سبک مقابله‌ای مسئله مدار بر سازگاری با زناشویی می‌توان گفت زنان که سبک مقابله‌ای مسئله مدار را به کار می‌گیرند، معمولاً در مواجهه با موقعیت تنیدگی زا، مسئولیت حل مسئله را به عهده می‌گیرند، به دنبال کسب اطلاعات صحیح درباره مشکل به وجود آمده هستند، از دیگران کمک می‌گیرند، نسبت به انجام کارها و حل مشکلات و مسائل پیش آمده دیدگاه خوش بینانه‌ای دارند و سازگاری زناشویی بیشتری دارند؛ در نتیجه انتخاب سبک مقابله‌ای مسئله مدار در برابر فشار ناشی از سازگاری

11 Lou and Kelvin

12 Dunlan, Kangar and Pirant

13 Murray & Turliuc

14 Headi, Veenhoven & Wearing

می‌تواند از تأثیر فشار روانی بر سلامت روانی زنان بکاهد و منجر به افزایش سازگاری زناشویی در این زنان شود. سبک مقابله‌ای هیجان مدار بر سازگاری زناشویی می‌توان گفت سبک مقابله‌ای هیجان مدار، فرایندی مقابله‌ای است که در آن افراد با فرار و اجتناب از موقعیت تنش‌زا، که افراد می‌کوشند به وضعیت به وجود آمده پایان دهند (شکری و همکاران، ۲۰۰۸). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت، زنانی که سبک مقابله‌ای هیجان مدار را به کار می‌گیرند، بیشتر از زنان دیگر، به دلیل ارزیابی منفی از خود و مسئله، سطح بالایی از پریشانی، خلق‌وخوی منفی و افسردگی را تجربه می‌کنند. همچنین این زنان چون نمی‌توانند هیجان‌های خود را به صورت مثبت کنترل کنند و احساس کارآمدی پایین‌تری در کنترل و حل مشکل دارند و هیچ‌گاه سبک‌های مقابله‌ای مناسب را به کار نگرفته‌اند، سطح بالایی از افسردگی و مشکلات روانی را تجربه خواهند کرد. این امر موجب می‌شود نتوانند با این مشکل یا بیماری سازش یابند. زنانی که از سبک مقابله‌ای عاطفه مدار استفاده می‌کنند، با مسائلی مانند نداشتن کنترل بر حوادث زندگی، مشکل در تصمیم‌گیری، اعتمادبه‌نفس پایین و دریافت نکردن حمایت از سوی دیگران مواجه می‌شوند. این ویژگی‌ها احتمالاً موجب می‌شود فشار روانی بیشتری را تجربه کنند و کمتر توان سازش با بیماری را داشته باشند. سازگاری زنان که در بسیاری اوقات احساسات خود را درگیر کرده و از مکانیسم گریه کردن استفاده می‌کنند (شیوه مقابله‌ای عاطفه مدار)، به دلیل ناتوانی در کنترل حوادث زندگی و مشکل در تصمیم‌گیری، اعتمادبه‌نفس پایین، کم‌رنگ شدن حمایت‌های اجتماعی و بالا بودن فشار روانی را تجربه می‌کنند. این هیجان‌ها می‌تواند آن‌ها را از لحاظ روحی ضعیف کند و مشکلات بسیاری در مسیر بهبود یا تحمل بیماری به وجود آورد (دیویس و درامان، ۲۰۰۶). سبک مقابله‌ای اجتنابی بر سازگاری با زناشویی می‌توان بیان کرد با استفاده از سبک مقابله‌ای اجتنابی که وجه مشخصه آن دوری گزیدن از عامل سازگاری با نادیده انگاری و بی‌اهمیت دانستن موضوع است، زنان به جای درگیری مستقیم با منبع سازگاری و پرداختن به جوانب مختلف آن، بخش عظیمی از اضطراب خود را کاهش می‌دهند. زمانی که روبرو شدن با مسئله‌ای بیش از اندازه دردناک باشد، فرد ممکن است وجود آن را انکار کند. به نظر می‌رسد زنان که از سبک مقابله‌ای اجتنابی استفاده می‌کنند، از نظر هیجانی بیشتر با بیماری درگیر می‌شوند که این خود باعث می‌شود ناسازگاری تشدید شود، اضطراب به حداکثر برسد و طلاق در زوجین افزایش یابد.

منابع و مراجع

- [۱] ابراهیمی، پ.، ثنایی ذاکر، ب.، و نظری، ع. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش برنامه غنی سازی ارتباط بر افزایش صمیمیت زوج های هر دو شاغل. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه کردستان، ۱۶، ۴۳-۳۷.
- [۲] بگیان کوله مرز، م.، و قمری گیوی، ح. (۱۳۹۴). اثربخشی زوج درمانی رفتاری ارتباطی بر سازگاری زناشویی و صمیمیت جنسی زوجین. نشریه پرستاری ایران، ۳۳، ۲۸-۲۲.
- [۳] بهرامی خوندابی، ف.، فاتحیزاده، م.، و اولیا، ن. (۱۳۸۴). ساخت و تعیین روایی و پایایی آزمون صمیمیت زوجین. ارائه شده در هشتمین هفته پژوهش، دانشگاه اصفهان.
- [۴] حسینی، م. (۱۳۹۰). رابطه سبک های مقابله ای با صمیمیت و تعهد زناشویی در فرهنگیان شهر ایلام. پایان نامه
- [۵] کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۶] خجسته مهر، ر.، موحدی، م.، و رجبی، غ. (۱۳۸۹). تاثیر آموزش صمیمیت بر افزایش صمیمیت ارتباطی زوجین. مجله دست آورد های روانشناختی، ۴، ۶۸-۵۳.
- [۷] دارنجانی، ف.؛ سهرابی، ن.؛ خیر، م. (۱۳۹۱). نقش واسطه گری سبک های مقابله ای در رابطه ی هوش هیجانی با رضایت از زندگی در زنان دارای مشکلات خانوادگی. روش های و مدل های روان شناختی. شماره ۲، دوره ۹، صص: ۱۱۲-۱۰۵.
- [۸] شگری، امید. (۱۳۸۸). مقایسه الگوی روابط علی پیشاندها و پسایندهای تنیدگی تحصیلی دانشجویان دختر و پسر در پارادیم های فرهنگی جمع گرا و فرد گرا. رساله دکتری. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- [۹] شهبازی، س.؛ حیدری، م.؛ شیخی، ر. (۱۳۹۰). اثر دوره ی حل مشکل بر دانش آموزان عدم تحمل استرس. ج دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد ۱۳ (۲): ۳۲-۷.
- [۱۰] کجفاف، محمدباقر؛ مقدس، مائده؛ آقایی، اصغر. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش راهبردی برنامه ریزی عصبی - کلامی بر سازگاری زناشویی. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۲ (۴): ۴۰-۳۰.
- [۱۱] یارمحمدیان، احمد؛ بنکدار هاشمی، نازنین؛ عسکری، کریم. (۱۳۹۰). تاثیر آموزش هیجانی و مهارت زندگی بر سازگاری زناشویی زوج های جوان. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۲ (۲): ۱۲-۳.
- [12] Bagarozzi, D. A. (2011). *Enhancing Intimacy in Marriage: A Clinician's Handbook*. Brunner-Routledge.
- [13] Caska, C.M (2011). *Distress in Spouses of Combat Veterans with PTSD: The Importance of Interpersonally Based Cognitions and Behaviors, Risk and Resilience in U.S. Military Families*, 1, 69-84.
- [15] Crawford, M., & Unger, R. (2004). *Women and gender: A feminist psychology*. 4th edition. New York, NY, USA: McGraw-Hill.
- [16] Dafei, M. (2005). *The Investigation of Relation between Coping Strategies with Individual Characteristics and Mental Health of Unfertilized Couples of Yazd*. [MSc Thesis]. Tehran, Iran: School of Medicine, Tarbiat Modares University. P. 40-8.
- [18] Haren EG, Mitchell CW (2013). Relationships between the five-factor personality model and coping styles. *Psyched Interdis J.*; 40(1):38-47.
- [19] Revenser, TA; Kayser, K; Bodenmann, G (2005). *Couples Coping With Stress: Emerging Perspectives on Dyadic Coping*. 1st ed. Washington DC: American Psychological Association; 67-8.
- [21] Volgston, H, Vanberg, S, Ekselius, A, Lundkvist, O. (2010). Sundstom poemaa. Risk factor for psychiatric disorder infertile women and men undergoing in vitro fertilization treatment. *Fertile Steril*, 93(4), 1088-1-99.
- [22] Willams, A. M., Hundt, N. E., & Nelson- Gray. R. (2014). BIS and cognitive appraisals in predicting coping strategies. *Personality and Individual Differences*, 59, 60-64.
- [23] Wunderer E, Schneewind K. The relationship between martial standards, psychology, dyadic coping and martial satisfaction. *Eur J Soc* 2008; 38: 462-76.